

دکتر نسرین اختر
دانشیار دانشکده خاورشناسی لاهور
پاکستان

« نامه های اورنگزیب و سبک او »

اورنگزیب نه تنها صاحب شمیر بود صاحب قلم نیز بوده است و چنان که او در اقلیم سیاست پادشاهی بزرگی به شمار می آید در اقلیم سخن نیز تاجداری عظیم شناخته می شود ، نامه های اورنگزیب يك سرمایه پر ارزش و بیش قیمت برای ادبیات فارسی می باشد ، او با وجود عديم الفرستی که به عنوان يك پادشاه داشت نام اعضای خانواده خویش حتی الامکان با دست خود نامه ها می نوشت ، ناگفته نماند که پادشاه نامبرده خطاط معروفی نیز بوده و در نسخ و نستعلیق و شکسته مهارتی کامل داشته ، و بنا به گفته منشی کاظم مورخ درباری اورنگزیب: از رتبه خط و حسن تحریر آن شهنشاه قلاطون فطنت سکندر نظیر که صفحات روزگار و اوراق دفاتر لیل و نهار از آن زینت پذیراست ، خط نسخ در غایت پختگی و منزه و متانت و اسلوب است و کمال قدرت در نوشتن آن دارند و شکسته نستعلیقی در غایت مغز داری و صفا و متانت و پختگی می نویسد (۱) ، و صاحب مآثر عالمگیری نیز این بیان را تأکید نموده می نویسد که : خط نسخ آن حضرت در غایت متانت و اسلوب بود و خط نستعلیق و شکسته نیز به غایت خوب نوشتند (۲) ، و اکنون هم نمونه های دست نوشت او محفوظ و موجود می باشند، مثلاً به قول صاحب مآثر عالمگیری : دو قرآن مجید به خط اقدس که مبلغ هفت هزار روپیه بر لوح و جدول و جلد آن صرف شده به مدینه منوره مرسل شده (۳) ، و سوای این دو مصحف کریم مکرر به تحریر پنج سوره دیگر سور قرآنی موفق گشته اند (۴) .

از این لحاظ بنا به گفته دکتر چغتائی : اورنگزیب ، در فن خطاطی مشق کامل داشت و نامه های او از لحاظ صوری و معنوی پر ارزش ترین سرمایه ادبی می باشد (۵) .
مجموعه های مکاتیب پادشاه اورنگزیب را به چندین بخش تقسیم کرده اند که تفصیل آن چنین است :

الف - مجموعه هایی که مشیمان او مرتب کرده اند ، از قبیل :

- ۱ - آداب عالمگیری محمد صادق انبالوی .
- ۲ - کلمات طیبات عنایت الله خان .
- ۳ - احکام عالمگیری ، ، ،

ب - مجموعه هایی که مبتنی بر کتب نامبرده می باشند ، امثال :

- ۱ - عالمگیر نامه ص ۱۰۹۲ . ۲ - مآثر عالمگیری ص ۵۳۲ . ۳ - مآثر عالمگیری ص ۵۳۲ و مقدمه رقعات عالمگیر ص ۵۰ . ۴ - عالمگیر نامه ص ۱۰۹۳ . ۵ - فنون لطیفه به عهد اورنگزیب ص ۷۶ - ۷۷ .

- ۱ - رقائم کرایم سید اشرف خان .
- ۲ - دستور العمل آگهی بفرمایش راجا ایامل یکی از درباریان او مرتب کرده .
- ۳ - رمز و اشاره های اورنگزیب سده مل
- ج - مجموعه هایی که از مجموعه های فوق الذکر تا حدی اختلاف دارند .
- ۱ - کلمات اورنگزیب .
- ۲ - احکامی که مبتنی بر نامه ها و فرمان های وی می باشند، اینها را حمیدالدین سپهسالار اورنگزیب مرتب کرده است .

۳ - نامه های پراکنده و متفرق (۱) .

اورنگزیب در زبان عربی و فارسی مهارت کامل می داشته، « بسیاری از آیات قرآنی، احادیث نبوی و هم چنین اشعار سعدی و حافظ و نلیری و نظامی گنجوی را حفظ کرده بود » (۲) ، و هم چنان از شعرای معاصر خود « به ویژه کلیات اشعار بیدل و ملاشاه بدخشی و ملا محمد محسن فانی کشمیری را با عقیدت خاصی می خواند و حظ می برد » (۳) ، به علت همین مطالعه و اطلاعات است که او در نامه های خویش اغلب آیات و احادیث و اشعار آورده مطالب را دقیق و پر معنی می ساخت ، او در نامه نویسی سبک خاصی داشته است چنان که مورخان در باره انشای وی چنین اظهار نظر کرده اند : « انواع کلام در مرتبه ایست که سخن سنجان معنی طراز و فصاحت پیشگان نکته پرداز از فیض تعلیم و ارشاد آن مظهر کمالات قدسی عمرها استفاده دقیق و رموز سخن می توانند کرد » (۴) .

و بنا به عقیده مؤلف مآثر عالمگیری : « آن حضرت را در مراتب نثر و انشاء دستی تمام بود و در مهارت تنظم و نثر بهره ای تام » (۵) .

در نامه های شخصی و خانوادگی اورنگزیب تنوعی عجیب دیده می شود ، او مطالب گوناگون را از قبیل تولد و مرگ ، وصل و جدائی ، شادمانی و ماتم ، مرض و سلامتی ، خرید و فروخت ، تمدن و فرهنگ ، سیاست و اقتصاد ، اجتماع و مذهب و حتی موسم و فصل را در مکتوبات خود آورده است ، و هم چنین دایره مراسلت اورنگزیب نیز وسیع و مکتوب الیه او از همگی مردم جامعه بوده اند ، مانند پدر ، برادر ، خواهر ، وزیر ، امرای دربار ، ملازمان دربار و سلاطین هم جوار و غیر آن و چون آنان از لحاظ روابط و مناسب و سن و مرتبه فرق می داشته اند طبعاً اورنگزیب فرق مراتب را ملحوظ می داشته است ، وی در نامه های خود آداب خاصی را رعایت کرده در به کار بردن عناوین برای طبقات مختلف مردم و امراء و وزراء و سلاطین حدود معینی را در نظر داشته است ، مثلاً به حضور شاه جهان پدر تاجدارش این طور عرض داشت می کند :

« مرید عقیدت کیش زمین خدمت به لب ادب بوسیده و مراسم ارادت و عقیدت به جا

- ۱ - فارسی ادب به عهد اورنگزیب ص ۳۶۷ و مقدمه رقعات عالمگیر ص ۳۲ و ۳۳ .
- ۲ - مقدمه رقعات عالمگیر ص ۵۳ . ۳ - فارسی ادب به عهد اورنگزیب ص ۳۷۷ .
- ۴ - عالمگیر نامه ص ۱۰۹۴ . ۵ - مآثر عالمگیری ص ۵۳۲ .

آورده به مسامح جاه و جلال می‌رساند ، (۱) .
و برای خواهر خود جهان‌آرا بیگم و برادران خویش شهزاده شجاع و شهزاده مراد
بالترتیب به این الفاظ می‌نویسد :

« مخلص بی اشتباه بعدادی مراسم اخلاص و نیازمندی معروض می‌دارد ، (۲) .
« بعد از گزارش مراسم مخالفت و موالات معروض می‌دارد ، (۳) .
« برادر عزیز به جان برابر ، کامگار نامدار عالی‌مقدار من ، « (۴) .
و همین‌طور به وزیر سلطنت سعدالله خان یا دیگر امرای شاه‌ی این‌طور مخاطب می‌نماید:
« خان سعادت نشان ، رفیع‌المکان ، مستغنی‌اللقاب ، مشمول‌الطاف و عنایات
اعلیٰ حضرت خلافت منزلت ظل الهی بوده معلوم نمایند ، (۵) .

از حیث عبارت منشاء اورنگزیب جزالت و استحکام خاصی را دارا هستند ، خاصه
پختگی انشاء و انسجام کلمات و صحت قواعد بسیار قابل توجه است ، ولی نامه‌های وی ساده
و سلیس‌کتر و مرصع و مسجع‌پیش‌راند و در بعضی نامه‌ها و لغات هندی و ترکی نیز بکار
برده شده است ، و سبک او در نامه نویسی به مرور زمان تحول پیدا کرده است ، مکتوبات
این پادشاه بزرگ تیموری پیش از تخت نشینی بسیار طویل و مشروح و عبارت آن بی‌نهایت
مرصع و در بعضی موارد منلق است ، در آغاز القاب متعدد و پشت سرهم دارد و بعد از آن
تمهید و در آخر خاتمه پر تکلف دیده می‌شود ، اما بعد از تخت نشینی نامه‌های او کوتاه‌تر
و در عین حال مؤثرتر می‌گردد ، عبارت نامه بسیار پرمطلب و به حد ایجاز رسیده است ،
او نامه‌های خود را با ضرب‌الامثال ، اشعار فارسی ، آیات قرآنی و احادیث نبوی آراسته
ساخته و گاهی در یک جمله مفهوم یک عبارت مفصل را بیان نموده است ، مثلاً به پسر خویش
به این ضرب‌الامثال نصیحت می‌کند :

« نفاق با مردم کار ضایع کاریست ، (۶) .
و یا می‌نویسد : « آن قدر شور مباش که از دهن براندازند و آن قدر شیرین هم مباش
که فرو برند ، (۷) .

و یا وقتی داراشکوه از زندان به اورنگزیب نامه نوشته بود اورنگزیب پشت همان
نامه فقط یک آیت زیر که به اندازه یک دفتر مفهوم داشت نوشته نامه را بر گرداند :
« الان و قد عصیت و کنت من الظالمین » (۸) .

مزیتی دیگر که نامه‌های اورنگزیب را ممتاز می‌سازد و بر ارزش آن می‌افزاید تجسم
صحنه‌های بزم و رزم و بیان منظره‌های طبیعت است که طبع لطیف و هنر نگارش این پادشاه
عظیم تیموری را به خوبی آشکار می‌نماید ، در طی عزیمت‌های لشکری خود در هر محلی که

-
- ۱ - رقعات عالمگیر ص ۱۳ . ۲ - رقعات عالمگیر ص ۲۲۷ . ۳ - رقعات
عالمگیر ص ۲۵۴ . ۴ - رقعات عالمگیر ص ۲۶۲ . ۵ - آداب عالمگیری ص ۴۶۰ .
۶ - کلمات طبیبات ص ۱۵ . ۷ - وقایع عالمگیر ص ۱۱ . ۸ - رقعات عالمگیر
ص ۲۲۶ .

می‌رسیده راجع به وضع راه و منظره های آن تفاسیل زیادی داده و مکتوب الیه را از اطلاعات جغرافیائی نیز بهره ور ساخته است، مثلاً برای محاصره قندهار روان است در راه او راجع به يك قصبه به حضور شاهجهان به این الفاظ بیان می‌نماید :

« چتیالی قصبه ایست معمور تخمیناً مشتمل بر سه صد خانه دارد افغان ترین ، زراعت از گندم و جو خوب و بسیار دارد، آب چشمه قریب به دو آسیا از پای فصبه مذکور می‌گذرد، درین روز که مقام واقع شد نرخ جو نه سیر بود و غله دیگر وافر و علف نیز به لشکر ظفر اثر رسیده (۱).

و یا وقتی به دستور شاهجهان برای سرکوبی حاکم نافرمانیز دار گولکنده عازم حیدرآباد می‌باشد درباره وضع و شادابی آن سرزمین این طور به پدر تاجدارش توضیح می‌دهد:

« این مرید از خوبی های این سرزمین و وفور آب و آبادانی و کیفیت هوای نشاط افزا و کثرت مزارعات که در اثنای طی مراحل مشاهده نموده چه عرض کند ، از آن روز که داخل سرحد شده و هرمنزلی چندین تالاب کلان و چشمه های خوشگوار و آبهای روان و مواضع و قریات معموره که بسیاری از مزرع های آباد ، به هر یکی از آن متعلق است به نظر درآمد ... يك قطعه زمین بی‌مزدروع نیست ، هر گاه این قسم ولایت زرخیز که در اکثر ممالک محروسه پادشاهی نظیر ندارد بی‌شريك و سهمیم به دست این چنین کافر لغتنی حق ناسپاس افتاده باشد ، نخوت و غرور به جا است . سبحان الله ، (۲) .

و همین طور جهان آراییکم يك دفعه درباره هوای دولت آباد دردی و بهمن سؤال کرد و اورنگزیب به این الفاظ به خواهر بزرگش جواب می‌نویسد :

« تا اواخر بهمن احتیاج به پوشش نبود ، اول روز نیمه آستین پوشیده می‌شد، میان روز قبا گرمی می‌کرد، درین ولا که ماه اسفند یاد آمده به جامه دولای بسر می‌رود» (۳).

لذا می‌توان گفت که نامه های اورنگزیب از نظر توضیحات و اطلاعات راجع به دهها، قصبه ها ، باغ ها، عمارت ها و هوا و فصل ها کمتر از يك کتاب جغرافیائی نیست، اما خشکی جغرافیه را ندارد بلکه اورنگزیب با استعمال ترکیبات دلنشین و فصاحت و بلاغت بیان را طراوت و جاذبیت بخشیده است ، و « به قول شبلی نعمانی حتی مخالفان اورنگزیب نیز در تعریف انشاء پردازی او سخن گفته اند ، مثلاً انشاء پرداز معروف اردو مولوی حسین آزاد می‌نویسد : عالمگیر دل معتدل و زبان قادرالبیان داشت و فرمان و نامه ها به دست خود می‌نوشت ، انشاء و تحریر او تعجب آور است او همین طور که اورنگک سلطنت را زیر قدم خود نگاه داشته بود کشور سخن را نیز زیر قلم خویش نگاه می‌داشت، نامه های او دارای عبارت ساده ، جمله های کوتاه و الفاظ با نمک و مؤثر می‌باشند ، و علاوه از انشاء پردازی وسعت معلومات ، اطلاعات راجع مسائل دینی و امور سلطنت ، خوش مذاقی و حسن انتخاب اورنگزیب از نامه هایش نمایان است» (۴) .

نامه های اورنگزیب دارای اهمیت خاص تاریخی هستند و بنا به گفته استاد محترم دکتر ذبیح الله صفا: « از روی آن ها می‌توان به اصل و اساس بسیاری از حوادث تاریخی و اجتماعی

- ۱ - رقعات عالمگیر ص ۳۱ - ۳۲ . ۲ - رقعات عالمگیر ص ۱۸۵ - ۱۸۶ .
 ۳ - رقعات عالمگیر ص ۲۴۳ . ۴ - اورنگزیب پرایک نظر ص ۱۷۱ - ۱۷۲ .

و جریان های مختلف سیاسی که در هر دور و زمانی وقوع یافته است ، پی برد ، (۱) .
 نامه های این پادشاه بزرگ تیموری بهترین و پرازش ترین مآخذ و منابع تاریخ آن عصر هستند و ما می توانیم از روی آنها واقعات ته آبی آن زمان را در بیاوریم و نتایج بگیریم ، با وصف آن اگر چه تعداد زیادی از نامه های اورنگزیب در دست داریم ولی متأسفانه این نامه ها اغلب به دوره آغاز و دوره آخر سلطنت اورنگزیب تعلق دارند و از دوره وسط یعنی سال های ۱۰۶۹ هـ تا ۱۱۰۹ هـ که شامل چهل سال حکومت اوست کمتر نامه ای دیده می شود ، و این امر خارج از این دو علت نیست یا این که هیچ نامه ای در این دوران نوشته نشده و محفوظ نمانده است .

چنان که اول صحبت شد اورنگزیب تنها یک ادیب و نویسنده نبود بلکه پادشاه بسیار عظیم و مقتدر شبه قاره پاکستان و هند بوده است و نامه های وی اصولاً شاهانه و دارای سبک ویژه ای هستند که این سبک در مناشات دیگران دیده نمی شود ، به قول دکتر وحید قریشی :
 «عموماً لهجه اورنگزیب بسیار جدی و مهیب است ، وقتی به پسران و نوه های خویش نامه می نوشت اظهار شفقت و محبت می کرد و به آن ها اسرار امور سلطنت با نرمی می فهماند ولی بر کوچک ترین کوتاهی ایشان نظر داشت و تنبیه شان می کرد ، (۱) .

اورنگزیب روانشناس واقعی بوده ، در هر نامه فرق مراتب را ملحوظ داشته و طبق خواسته های هر مخاطبی و مکتوب الیه نوشته است ، عبارت انشای او بی مزه و خشک نیست و مانند بعضی دیگر نویسندگان خفیف و سبک هم نیست بلکه همیشه عبارت نامه های او با شکوه و پر مغز است ، بنا بر ضرب المثل مشهور عربی « کلام الملوك ملوك الكلام » می باشد ، البته در نامه هایی که اورنگزیب در ایام پیری مرقوم داشته یک احساس شکست و مأیوسی و ناامیدی نمایان است ولی آن هم به وجه نا اهلی و نالایقی اولادش بوده که بزرگ ترین المیه و تراژدی زندگی سیاسی او می باشد . جدوناته سرکار در نظر داشتن همین نامه های اخیر در کتاب خود می نویسد :

نتایج حکومت پنجاه ساله این پادشاه مطلق العنان و مستقل بالاخره ناکامی و مأیوسی بود « (۲) . ولی غلام رسول مهر به این الفاظ جواب چنین مورخین متعصب و غیر مسلم می دهد :

« جدوناته سرکار و بعضی دیگر مورخین غیر مسلم نامه های اورنگزیب متعلق به ایام پیری را دستاویزات رنج و الم و یأس و نومیدی قرار داده اند که هرگز صحیح نیست ، در اصل فقط آن ها می خواهند هرطوری که باشد بتوانند ثابت کنند که مساعی مدت العمر اورنگزیب بیهوده بوده و به کرده خویش سراپا حسرت و پشیمان شده این نامه ها را نوشته است ، ولی این اصلا درست نیست ، در حقیقت اورنگزیب یک مؤمن واقعی و مسلمان راست گو بوده و از این لحاظ در دل خوف خدا داشته است ، لذا در این نامه ها خشیه الهی غالب است

۱- گنجینه سخن ج ۱ ، ص ۱۴۳ . -۱ INSHA LITERATURE ص ۲۱۱

۲ - History of Awrangzile ج ۱ ص ۱۰۷ .

نه حرمان و یأس ، (۱) .

عبارت نامه‌هایی که او در آخر عمرش تحریر نموده است پر از نصیحت‌های اخلاقی و انتظامی و ساده و کوتاه است و همین سادگی و راستی نامه‌های اورنگزیب را مؤثر ساخته به کمال زیبایی رسانده است .

به قول ظهیرالدین فاروقی : « نامه‌های اورنگزیب علاوه از اهمیت تاریخی دارای اهمیت ادبی بی‌کران نیز هستند » (۲) .

۱ - مقدمه اورنگزیب پرایک نظر ص ۱۵ .

۲ - Aurangzeb and his Times ص ۶۶ .



علی باقرزاده بقا

گشت و گذار

بگرد خاور و اقصای باختر گشتم
 به چار دسته مخلوق همسفر گشتم
 ز پای تا سر آفاق سر بسر گشتم
 ز فیض صحبت اختیار بهره‌ور گشتم
 به بحر فکر زن و مرد غوطه‌ور گشتم
 رهین منت اندیشه و هنر گشتم
 چو برق رفتم و مانند باد بر گشتم
 به کوه و جنگل و گلزار باخبر گشتم
 چه قصه‌ها که ز سیر سیر زبر گشتم
 هزار مرز که افزون شد از شمر گشتم
 نیافتم به جهان ، هر چه بیشتر گشتم

سفر گزیدم و بسیار بحر و بر گشتم
 به پنج قطعه خاک جهان نمودم روی
 چو آفتاب جهانگرد ، با دلی روشن
 به آستان خرد پیشگان نهادم سر
 ز رنج و شادی پیر و جوان شدم آگاه
 به موزه‌ها و کتب‌خانه‌های هفت اقلیم
 به خانقاه دراویش و کاخ پادشهان
 ز نقش‌های طبیعت ، ز رازهای بقا
 چه نکته‌ها که پیامو ختم ز گردش چرخ
 هزار شهر که پنهان بد از نظر دیدم
 کسی که بود ز احوال خویشتن خرسند